

اکسپرس رهبران

تصویری از صحنه‌ی رقابت
داعیان مذهب در جهان اهل سنت



انديشگه مرصاد
پژوهشگه تمدن توسیدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان و نام پدیدآور: اطلس رهبران: تصویری از صحنه رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت / نویسندگان حمید عظیمی، محمد مهدی تجریشی، محمد طلایی، سید محمد رضا مدرسی، محمد مالکی. مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری ۵۲۰ ص.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۹۳۵-۷

وضعیت فهرست نویسی فیپا

یادداشت حمید عظیمی، محمد مهدی تجریشی، محمد طلایی، سید محمد رضا مدرسی، محمد مالکی.

عنوان دیگر: تصویری از صحنه رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت.

موضوع بنیادگرایی اسلامی

موضوع جنبشهای اسلامی

موضوع فقیهان اهل سنت

موضوع سلفیه -- عقاید

موضوع سلفیه -- نظر اهل سنت

موضوع تکفیر -- کشورهای اسلامی

موضوع وهابیه -- نظر اهل سنت

موضوع وهابیه -- عقاید

شناسه افزوده حمید عظیمی، محمد مهدی تجریشی، محمد طلایی، سید محمد رضا مدرسی، محمد مالکی.

شناسه افزوده نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف

رده بندی کنگره ۱۳۹۴ الف/۳/۳۳۳ BP

رده بندی دیویی ۲۹۷/۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی ۴۰۶۶۹۴۲



نشر معارف

اکسپریس رهبران

تصویری از صحنه رقابت
داعیان مذهب در جهان اهل سنت



انديشكده مرصاد
پژوهشكده تمدن توحيدى



اندیشکده مرصاد

نشرمصارف

اطلس رهبران: تصویری از صحنه رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت

نویسندگان محمد مهدی تجریشی، محمد طلای، حمید عظیمی، سید محمد رضا مدرس و محمد مالکی تهیه کننده اندیشکده مرصاد به سفارش پژوهشکده تمدن توحیدی ناشر دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها) نوبت چاپ اول، ۱۳۹۴ شمارگان ۱۰۰۰ نسخه قیمت ۲۸۰۰۰ تومان شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۹۳۵-۷

مراکز پخش:

قم - بلوار جمهوری - میدان سپاه - خیابان شهید محمود اخلاقی - پلاک ۱۲ - تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۴۷۱۷ - رایانامه: mersadcss@chmail.ir
مدیریت پخش دفتر نشر معارف قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۰۰۰۴ پاتوق کتاب قم (شبه اول) خیابان شهدا، روبه روی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۳۷۷۲۵۴۵۱ پاتوق کتاب قم (شبه دوم) ابتدای بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، تلفن: ۳۲۹۰۴۴۴۰ پاتوق کتاب تهران خیابان انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۷۱۵، تلفن: ۸۸۹۱۱۲۱۲ پاتوق کتاب شیراز سی متری سینما سعدی، بین چهارراه ذوالانوار و چهارراه مشینو، پلاک ۱۵۰، تلفن: ۰۷۱۳۲۳۴۴۶۱۵ پاتوق کتاب مشهد چهارراه شهدا، خیابان آیت الله بهجت، نبش کوچه هفتم، تلفن: ۰۵۱۳۲۲۲۰۱۱۹ پاتوق کتاب کرمانشاه چهارراه مدرس، خیابان پیرشکان، پلاک ۲۲، تلفن: ۰۸۳۲۷۲۳۸۴۱۱ پاتوق کتاب کرمان خیابان شهید مطهری، بین کوچه ۵۴ و ۵۶، تلفن: ۰۳۴۳۲۲۳۱۴۶۶ پاتوق کتاب رشت خیابان امام خمینی، روبروی بانک رفاه، تلفن: ۰۱۳۳۳۳۲۰۶۹۷ پاتوق کتاب تبریز میدان ساعت، انتهای خیابان مقصودیه، جنب سازمان فناوری اطلاعات شهرداری، تلفن: ۰۴۱۳۵۵۷۶۰۰۰ پاتوق کتاب کرج چهارراه طالقانی، به سمت میدان سپاه، بعد از زیرگذر، جنب هلال احمر، ساختمان دی، طبقه زیرزمین، تلفن: ۰۲۶۳۴۴۳۵۲۹۰ پاتوق کتاب شهرکرد خیابان ولی عصر (عج)، بالاتر از سه راه سینما، تلفن: ۰۳۸۳۲۲۴۳۲۲۲ پاتوق کتاب قزوین چهارراه بنیاد شهید، روبروی بانک سپه و بانک مهر اقتصاد، تلفن: ۰۲۸۳۳۳۲۱۲۸۰۶ پاتوق کتاب ساری میدان شهدا، خیابان ۱۸ دی، روبروی مسجد امام حسین (ع)، تلفن: ۰۱۱۳۳۲۵۳۰۲۰ پاتوق کتاب ارومیه تقاطع خیابان رسالت و دستغیب، نبش چهارراه مافی، تلفن: ۰۴۴۳۲۳۵۴۵۲۲ پاتوق کتاب اراک خیابان امام خمینی (ع)، خیابان میرزای شیرازی (مسجد سیدها)، ساختمان حوزه علمیه خواهران، تلفن: ۰۸۳۳۲۲۹۰۳۸ پاتوق کتاب اصفهان چهارراه تختی، خیابان مسجد سید، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۰۲۱۲۳۳۷۱۶۹۱ پاتوق کتاب اردبیل سه راه دانش، خیابان اسماعیل بیگ، جنب بانک ایران زمین، ۳۱۴-۳۲۲۶-۰۴۵ پاتوق کتاب بیرجند خیابان پاسداران، نبش پاسداران ۱۹، پلاک ۵۴، تلفن: ۰۵۶۳۲۴۲۰۰۷۸ پاتوق کتاب ایلام خیابان آیت الله حیدری، روبروی مسکن و شهرسازی استان، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۸۸ پاتوق کتاب گرگان مقابل پارک شهر، کوچه بوعلی، تلفن: ۰۱۷۳۲۲۳۷۸۸۰ پاتوق کتاب اهواز خیابان نادری، خیابان شهید سراج، ساختمان یاس، طبقه همکف، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۶۴ پاتوق کتاب بندرعباس خیابان دانشگاه، جنب مؤسسه اعتباری عسکریه، پاساژ کاکتوس، تلفن: ۰۷۶۳۶۱۷۵۵۷ پاتوق کتاب بوشهر خیابان امام خمینی، جنب حوزه علمیه امام خمینی، تلفن: ۰۹۱۷۶۶۷۱۵۵۴ پاتوق کتاب زنجان خیابان امام خمینی، جنب امامزاده سیدابراهیم (ع) تلفن: ۰۲۴۳۳۳۶۶۴۲۵ پاتوق کتاب خرم آباد خیابان شهید مطهری، سه راه اول، روبروی بانک صادرات، تلفن: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۷۴

پایگاه اینترنتی ketabroom.ir نشانی اینترنتی info@ketabroom.ir

فهرست

۳	پیشگفتار
	دین سالاران سنی: درآمدی بر یک حوزه پژوهشی نو
۶	حمید عظیمی
جریان سنتی	
	احمد الطیب: شیخ الازهر
۲۲	حمید عظیمی
	فتح الله گولن: رهبر جنبش هزیمت
۴۱	حمید عظیمی
	مصطفی بسری: رئیس عام نهضت‌العلمای اندونزی
۵۹	حمید عظیمی
	عبدالله بن بیه: برجسته‌ترین عالم مالکیه
۷۶	محمد طلایی
	ظاهر القادری: مهم‌ترین چهره مذهبی بریلوی‌ها
۹۸	محمد مالکی
۱۱۵	چهره‌های فرعی
جریان نوسلفی	
	یوسف القرضاوی: رهبر معنوی اخوان المسلمین
۱۱۸	حمید عظیمی
	صفوت حجازی: عالم مطرح طیف قطبی اخوان
۱۴۲	محمد مهدی تجریشی
	عطاء ابورشته: امیر حزب التحریر
۱۹۶	سید محمد رضا مدرسی
۲۰۹	چهره‌های فرعی

جریان سلفی

۲۱۲	صالح الفوزان: عضو هیئت کبار علمای سعودی حمید عظیمی
۲۲۶	ابواسحاق الحوينی: چهره اصلی سلفیه البانیه حمید عظیمی
۲۳۹	عبدالرحمان عبدالخالق: چهره اصلی سلفیه حركيه محمد طلائی
۲۶۱	محمدتقی عثمانی: چهره بارز دیوبندیه محمد مهدی تجریشی
۳۱۵	محمد عبدالوهاب صاحب: امیر جماعت تبلیغی در پاکستان محمد مهدی تجریشی
۳۵۶	چهره‌های فرعی

جریان جهادی

۳۶۰	ابومحمد المقدسی: رهبر معنوی القاعده سید محمد رضا مدرسی
۳۸۲	ابوبکر البغدادی: امیر دولت اسلامی عراق و شام سید محمد رضا مدرسی
۳۹۵	چهره‌های فرعی

جریان صوفیه

۴۰۰	هشام الکنانی: شیخ طریقت نقشبندی - حقانی محمد مالکی
۴۱۸	چهره‌های فرعی

نومبلغان

۴۲۲	عمرو خالد: پیش‌کسوت نومبلغان محمد طلائی
۴۵۲	ذاکر نایک: شهیرترین چهره اسلامی شبه‌قاره محمد مهدی تجریشی
۴۸۲	چهره‌های فرعی
۴۸۳	وقایع‌نگاری
۴۹۱	نمایه‌ها
۵۰۴	فهرست تفصیلی

پیشگفتار

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است، و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست، و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم^۱». «من امیدوارم که همه ملت‌های اسلام که به واسطه تبلیغاتی که، فعالیت‌هایی که از اجانب شد و این‌ها را از هم متفرق کردند و مقابل هم قرار دادند، بیدار بشوند و همه با هم بشوند. یک دولت بزرگ اسلامی، یک دولت زیر پرچم لا اله الا الله تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه بکند^۲».

«یک دولت بزرگ اسلامی» بخشی از مسیر مبارزاتی بود که امام راحل علیه السلام برای برافراشتن توحید در سراسر جهان طرحش را ریخته بود و قرار بود بخشی از هویت انقلابی دل‌بستگان به گفتمان انقلاب اسلامی باشد تا در هوای آن نفس بکشند و تعالی یابند.

اما اوضاع تعامل ما با هم‌کیشانمان چنان‌که باید پیش رفت. فارغ از دسیسه‌های استکبار جهانی برای جلوگیری از نفوذ گفتمان ناب اسلامی انقلاب ما در جهان اسلام و فارغ از زمینه‌های اثربخشی این دسیسه‌ها در جهان اهل سنت، باید اعتراف کرد که جامعه ما نیز به دلایلی زمینه کارایی حیل‌های استکبار را فراهم ساخته است.

در گذر از قرائت‌های متداول و سنتی ایرانیان از اوضاع همسایگان اعتقادی خویش، چه در ابعاد سیاسی و تمدنی، و چه در لایه‌های فکری و معنوی، نادیده‌های کوچک، بزرگ و گاه «بسیار بزرگی» به چشم می‌آید، که نادیده‌ماندنشان ممکن است حتی درون قلمرو فرهنگی انقلاب اسلامی

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۳۴.

بحران آفرین شود. قاطبه جریان‌های اهل سنت، با وجود اختلافات شدید و گاه خونین، شرق تا غرب زیست‌بوم اسلامی را در دهکده‌ای گنجانده‌اند، تا روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی‌شان به دغدغه‌ای جدی برای سیاست‌سازان جهان بدل شود. اما در چنین زمانه‌ای، شیعیان و به‌خصوص شیعیان ایران، مسیر انزوای کامل را از آن حرکتی در پیش گرفته‌اند که زمانی به کمتر از جایگاه رهبری‌اش راضی نمی‌شدند. چیزی که رهبر معظم انقلاب بارها و بارها نسبت به آن دغدغه نشان داده و امام راحل علیه السلام نیز از آن پرهیز داده بود:

«تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند، و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حسابمان را صریحاً با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقت‌باری که داریم، با جهان، برخوردی مکتبی می‌نماییم»^۳.

اما به نظر می‌رسد که برخورد بخش عمده‌ای از جامعه شیعی ما نه تنها با جهان، بلکه با جریان‌های اسلامی نیز آن قدرها مکتبی نبوده است. هرچه باشد به‌چوب راندن برادران با ادعای الگو بودن برای نهضت‌های اسلامی دیگر چندان تناسب ندارد. گویی این جماعت را ناسازتر از طلقا یافته‌ایم! عسی الله أن يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منہم مودة^۴ ...

ما را به گرد کعبه قراری است مشترک پس دشمن مقابلمان بی‌گمان یکی است^۵

پژوهشکده تمدن توحیدی با توجه به ضرورت تولید نرم‌افزارهای کارآمد در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی با توجه به تراش علمی شیعی، و نیز ایجاد جریان بالنده علمی - پژوهشی در جامعه حوزوی تأسیس گردید. این پژوهشکده با هدف هرچه بیشتر نسبت گرفتن نهاد مقدس روحانیت با اهداف متعالی نهضت اسلامی، و حل مسائل روز جامعه در جهت منویات مقام معظم رهبری مدظله، علاوه بر ساحت‌های بنیادین علمی، وارد حوزه‌های راهبردی و نیز اقدام پژوهانه شده است و سعی می‌نماید در تعامل بین دانش و عینیت موجود، به راه‌حلی موجه در زمینه اهداف حوزه‌های علمیه دست یابد.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۴. ممتحنه، آیه ۷.

۵. سروده سیدمحمدصادق آتشی

اندیشکدهٔ مرصاد به عنوان بخشی از پژوهشکدهٔ تمدن توحیدی، از سال ۱۳۹۱ با همت جمعی از طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم و با دغدغهٔ گسترش مطالعات راهبردی در مسائل کلان انقلاب اسلامی آغاز به فعالیت کرد. این مجموعه با در نظر داشتن صبغه و مسئولیت حوزوی خود، بر آن است تا با تمرکز بر مسائل کلانی که مؤلفه‌های مذهبی در آن دخالت عمده دارند، سیاست‌های خلاقانه، عملی و کارگشا عرضه نماید. نیز می‌کوشد در فرایند تماس و مطالعه در مسائل عینی و کلان نظام، نسلی از روحانیون را تربیت کند که از مهارت و دانش لازم برای رهبری اجتماعی برخوردار باشند.

اثر حاضر با عنوان «اطلس رهبران، تصویری از صحنهٔ رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت» سعی دارد از دریچهٔ بررسی مؤلفه‌های جریان‌شناسی، برآورد تأثیر و روند پژوهی تأثیرگذارترین رهبران مذهبی اهل سنت جهان اسلام و جریان تابعهٔ آن‌ها، گامی کوچک و متواضعانه در مسیر قرائتی جامع از صحنهٔ عینی جریان‌های اسلامی باشد.

در پایان پژوهشکدهٔ تمدن توحیدی از مؤلفان این مجموعه که با تلاش و دقت نظر مناسب اثری درخور قدردانی صمیمانه تشکر می‌نماید. نیز به صورت ویژه از فضلان گران قدر آقایان عظیمی و تجربی‌شی که هریک در مقاطعی زحمت پیگیری‌های مربوط را عهده‌دار بودند قدردانی می‌نماید. در پایان نیز بر خود لازم می‌داند از استاد گرامی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی موسوی که با راهنمایی‌های خود به غنای اثر افزودند، کمال سپاسگزاری را به عمل آورد.

باشد که مقبول درگاه حق و مورد رضای حضرت حجت علیه السلام قرار گیرد.

پژوهشکدهٔ تمدن توحیدی

اندیشکدهٔ مرصاد

قم المقدسه

ربیع‌الاول ۱۴۳۷

دی‌ماه ۱۳۹۴

دین سالاران سنی

درآمدی بر یک حوزه پژوهشی نو

مذهب و جریان‌های مذهبی همیشه پای ثابت تحولات سیاسی - اجتماعی عالم اسلام بوده‌اند، و هیچ فراز و فرودی در هیچ مقطعی نتوانسته است عاملیت این نوع از جریانات را به کلی محو کند. وقایع مختوم به سقوط عثمانی، نهضت ضد استعماری شبه‌قاره، مناقشات ناصر با سعودی‌ها، نهضت نفت ایران و جنگ‌های اعراب و اسرائیل همگی رد پرنگی از این نوع نقش‌آفرینی را تا اواخر دهه شصت میلادی به نمایش می‌گذارد.

پس از یک دوره فترت ده‌ساله در خارج از ایران، این انقلاب اسلامی بود که محرک‌های مذهبی را مجدداً به ثقل فرایندهای اجتماعی سیاسی جامعه مسلمین کشاند. احیا و قدرت یافتن جریان‌های اسلامی ضد صهیونیستی در فلسطین و لبنان، فعال شدن جریانات احیاء مذهب در عربستان، شکل‌گیری حزب الدعوه و انتفاضه شعبانیه عراق، شکل‌گیری مجاهدین در جنگ افغانستان، انقلاب ۱۹۹۲ الجزایر، قدرت گرفتن حسن الترابی در سودان، به میدان آمدن اربکان و سایر اسلام‌گرایان در قلمرو آتاتورک و اپیدمی پرشتاب جریان‌های مسلح اسلامی همچون القاعده از جلوه‌های موج دوم فعال شدن جریان‌های اسلامی در جهان اسلام است.

وابسته به موج دوم یا مستقل از آن، بیداری اسلامی بی‌گمان سومین موج از اوج گرفتن نقش‌آفرینی جریان‌های اسلامی در قلمرو اسلام است. خیزشی که بیش‌ازپیش جریان‌ها و رهبران

۱. این اصطلاح را باید مفهومی اقتراحی به‌منظور نام‌گذاری چهره‌ها و نهادهایی دانست که چه به‌واسطه جایگاه رسمی دولتی و چه از طریق نهادهای دینی مستقل، صاحب اقتدار مذهبی در میان جامعه هستند. هرچند مشابه انگلیسی theocrate معمولاً در معنای دولتی آن استعمال می‌شود.

اسلامی را در میانهٔ معرکه قرار داد و این بار فرصت عرض اندام به گرایش‌های اخوانی داد تا بخت خود را برای تسلط بر دایرهٔ قدرت بیازمایند. نتیجهٔ این خیزش و حرکت‌های آتی هرچه باشد تأثیری بی‌مانند در سرنوشت پروژهٔ جهانی انقلاب اسلامی و داعیهٔ تمدنی آن خواهد داشت. جریان‌های اسلامی، ولو اینکه هویتی متمایز یا متناقض با همدیگر برای خود قائل شوند در شکست‌ها و دستاوردها سهیم خواهند بود. همان‌طور که انقلاب اسلامی روزی منجی احیاگری دینی در جهان اسلام شد، تسلط اسلام‌گرایان بر موج بهار عربی تقارنی معنادار با فروکش کردن توان جنبش سکولار سبز در ایران یافت و افق‌های آن را تیره‌تر کرد.^۲ بیرون از حلقه‌های داخلی جریان‌های اسلامی جزئیات مرئی نیستند، و مرزکشی‌های دستی لزوماً به چشم نمی‌آیند.^۳ حکومت طالبان هرچند توسط دیوبندی‌های به‌ظاهر شیعه‌ستیز شکل گرفت، صرف روحانی‌سالاری در آن برای سرایت نام و ننگش به تئوکراسی شیعی هم‌جوار کافی بود. مرجعیت یافتن ال‌زهر در قانون اساسی مصر پس از انقلاب گرچه با هزینهٔ سیاسی اخوان انجام پذیرفت، بخشی از سود آن به‌طور مستقیم در قم برداشت می‌شد. حتی اگر غالب دولتمردان ما نام حزب PAS مالزی را نشنیده باشند، بسیاری در آن دیار نام ایران را از رهگذر همین حزب جدی می‌گیرند.

نهادهای دینی نیز از این هم‌بستگی علی‌مستثنا نیستند. این تصور رهن است که وجود و عدم مؤسسات دینی ریز و درشت در جهان اسلام دخل‌چندانی به آنچه نهادهای تبلیغی و آموزشی و پژوهشی دینی در ایران انجام می‌دهند، ندارد. حتی اگر برای بدنهٔ حوزه و مخاطبان آن محسوس نباشد، بخش کوچکی از حوزه و نظام خود را در فعالیت‌های مذهبی گسترده برون‌مرزی داخل کرده‌اند که پس‌لرزه‌های آن دیر یا زود احساس می‌شود. درواقع تا امروز نیز این حصار بلند زبان و قاطعیت سلبی نظام بوده است که ثبات راست‌کیشی در داخل ایران را فراهم آورده، و محافظه‌کاری مذهبی را به گزینه‌ای ممکن بدل کرده است. معلوم نیست اگر چهره‌ای در قواره‌های اقبال دوباره در حوزهٔ پارسی شرق ایران ظهور کند چقدر بتواند تکانه بر سازمان اندیشهٔ ایرانیان وارد کند. برای مقایسه مفید است در نظر بگیریم که دومین بازار داغ کتب شریعتی، افغانستان

۲. برخی سران این جنبش، با درک و بیم‌های برآمده از بیداری اسلامی برای این جنبش و اعتراف به آن، تلاش بسیاری کردند تا آن را به نحوی موافق طبع تفسیر کنند (برای نمونه، ر.ک:

<http://www.nourizadeh.com/archives/006050.php#more>)؛ اما این فرار به جلو آشکارتر از آن بود که به باور درآید. یک‌سال پس از آنکه رسانه‌های جنبش، بهار عربی را مولود حوادث ایران خواندند، نهضت اعراب به اوج رسیده بود، اما مادر ادعایی آن در ایران خاموش شد.

۳. در همین زمینه ر.ک: عباس خامه‌یار، *بازی سرنوشت مصر*، ص ۶۲.

پارس‌زبان، اما سنی‌مذهب بوده است.^۴ هم‌اکنون به‌صرف فعالیت‌های مجموعه‌ای کوچک همچون مسجد مکی و دارالعلوم زاهدان حساسیت طیف وسیعی برانگیخته شده است. باین‌حال مشاهده می‌شود که بسیاری در قم نام دارالعلوم دیوبند را که تنها از حیث تعداد فارغ‌التحصیل بیش از بیست برابر دارالعلوم زاهدان است^۵ و مرجعیت بی‌مانندی در جنوب آسیا دارد، نشنیده‌اند. ال‌زهر بی‌شک سیلی بی‌اعتنایی‌اش نسبت به خواب‌هایی را خورد که در مدینه برایش می‌دیدند. سعودی‌ها نیز، نه با دلار و نه با مشت آهنین، نتوانستند از ورود اخوان به قلب جامعه وهابی جلوگیری کنند. دیر یا زود موانع فیزیکی انتقال گفتمان‌های رقیب در هر قلمرو اسلامی از بین خواهد رفت. در چنین شرایطی بازنده کسانی خواهند بود که شناخت و برنامه‌ای نسبت به آنچه پشت این سدها منتظر است، نداشته باشند.

ارگان‌های حاکمیتی نیز در این حوزه وضعیت مطلوبی ندارند. نوعی سردرگمی در قبال تحولات جاری و آرایش جریان‌ها در سپهر سنی‌گری، نهادهای داخلی را فرا گرفته، و این سردرگمی برای ناظران خارجی نیز کاملاً محسوس بوده است. بسیاری از این نهادها در سه دهه تجربه تعامل با جریان‌های اسلامی روزه‌روز از اسلام‌گرایان فاصله گرفته، و رویی گشاده‌تر به سکولارها و سکوتی‌ها نشان داده‌اند. این روند در اوج خود تبدیل به قطع حمایت‌های - دست‌کم لفظی - سابق از حرکت اخوان‌المسلمین شده است.

بی‌شک این تصمیمی یک‌طرفه نبوده و طرف‌های سنی در تغییر رویکرد مصمم‌تر نشان داده‌اند؛ اما موضوع آزردهنده نقش خلأ اطلاعات طرفین در تعمیق گسل ایران شیعی و عالم سنی و به‌خصوص اسلام‌گرایان است. روزی نیست که در میان رسانه‌ها و موضع‌گیری‌های اعلام دوطرف ادعاها و استنادات غریب و به‌غایت بی‌پایه مشاهده نشود. گسل زبانی و گسست در مدیوم‌های ارتباطی مفهوم امت اسلامی را به آرزویی بربادرفته شبیه ساخته، و شرایطی فراهم آورده است که ایرانیان شبیحی بسیار محو از آنچه در جهان عرب و هندی و مالایی می‌گذرد دارند، و بالعکس. در مقایسه اما این سه ابرحوزه اسلامی از دهه هفتاد میلادی توانسته‌اند روابط فرهنگی و سیاسی خود

۴. برای مشاهده شواهدی بر این مطلب، ر.ک:

مقاله "استقبال از آثار شریعتی در افغانستان" در: <http://shariati.nimeharf.com>

و https://www.google.com/trends/explore?q=/2Fm/2F014_yc بخش: «Regional interest».

۵. مهدی فرمانیان در فرق تسنن رقم فارغ‌التحصیلان آن را ۲۶ هزار نفر گزارش کرده (فرق تسنن، ص ۶۷۹)، و در مقابل در دایرة‌المعارف ویکی‌پدیا تعداد دانشجویان دارالعلوم زاهدان بیش از ۱۲ هزار نفر بیان شده است.

را کم‌وبیش توسعه دهند و در هم تداخل یابند. سازمان‌های فراملیتی متکثر، کنسرسیوم‌های تشکیلاتی ایجادشده توسط مسلمانان مهاجر در غرب، رفت و آمدهای پربسامد داعیان و عالمان و فعالان سیاسی، و ورود فعال این عناصر در استفاده از رسانه‌های جدید بالاخص اینترنت و ماهواره، پدیده «موضع‌زدایی»^۷ از اسلام و سست شدن اسلام‌های محلی یا موضعی را موجب شده است.^۷ این روند روبه‌رشد علی‌رغم تمایل اغلب دولت‌های اقتدارگرا یا تکنوکرات مسلمانان اتفاق می‌افتد که تمایل به ملی کردن دین و ثبات در آن دارند و از اسلامی فولکلور - یا به‌بیان‌دیگر اسلام حضاری - حمایت می‌کنند. امروزه حتی تشکیلات به‌نسبت کوچکی همچون دارالارقم در مالزی نیز خود را داعیه‌دار نهضتی جهانی و تولیدکننده نسخه‌ای برای نجات تمام امت اسلام می‌داند، و مهم‌تر آنکه در همین راستا منابع محدود خود را در گستره‌ای بسیار وسیع‌تر از سرزمین مادر می‌گستراند.^۸

باین‌حال چنین به‌نظر می‌آید که این روند اگر در جهان اسلام کند بوده، در ایران انقلابی به‌عکس طی شده است! رگه‌های شیعی و حتی ایرانی و بلکه پارسی انقلاب روزبه‌روز فراخ‌تر شده، و شریان‌های جهانی و امت‌گرا و فراقومی آن با خطر انسداد مواجه‌اند. اگر نبود حیثیتی شدن مسئله فلسطین ممکن بود ما دیگر هیچ سخن همدلانه‌ای با سپهر عمومی سنی در خود نیابیم. این روندی بود که بیش از هرچیز می‌تواند وارث جنگ افغانستان تلقی شود؛ جنگی تقریباً هم‌درازای با جنگ ایران و عراق و به همان اندازه موفق در انصراف ذهن مخاطبانش به خود. در همان زمان که ایرانیان تمام هم و غم خود را معطوف به دفع تجاوز صدام از مرزهای غربی کرده بودند، در شرق ایران جبهه‌ای پرتنش تمام دنیای اهل سنت را درگیر خود کرده بود، و برای آن از

6. Delocalization.

۷. یکی از جالب‌ترین مطالعات انجام‌شده در اسلام فراملیتی توسط مؤسسه پرکار اما لیبرال NBR انجام شده است. بنگرید به:

Mandaville, Peter. "Transnational Islam in Asia: Background, Typology and Conceptual Overview." *Transnational Islam in South and Southeast Asia. Movements, Networks, and Conflict Dynamics* (2009): 1-20.

۸. ر.ک.:

Ahmad Fauzi Abdul Hamid, "From Darul Arqam to the Ruffaq' Corporation: Change and Continuity in a Sufi Movement in Malaysia," in *Islamic Thought in Southeast Asia: New Interpretations and Movements*, University of Malaya Press, 2013.

ایالات متحده گرفته تا اندونزی مجاهد می‌آمد. جنگجویان این جبهه نیز همچون مجاهدین ایرانی دغدغه‌ای نسبت به آنچه در جبهه دیگر می‌گذشت نداشتند و آن را موضوعی فرعی می‌دانستند. پس از قطعنامه ۵۹۸ نیز خستگان دولت سازندگی بیشتر علاقه داشتند آب بر روی خرده‌آتش‌پاره‌هایی که از انقلاب به منطقه سرایت کرده بود بریزند؛^۹ لذا انقلاب بیش‌ازپیش ایرانی شد و نگاه‌ها مشغول تب‌های موضعی گشت.

به‌رحال جهان اسلام در حال یکپارچه - و نه متحد- شدن است؛ بدین معنا که شرکای بالقوه همدیگر را می‌یابند، و آرایش جناح‌های رقیب در نقاط مختلف متجانس می‌شود، و جریان‌هایی که نتوانند از محلی بودن به‌در آیند، در ساختارهای جهانی هضم می‌شوند، و اینها همه چیزی نیست جز انعکاس جهانی شدن در قلمرو اسلام. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی نمی‌تواند با محافظه‌کاری و درون‌گرایی دیپلماتیک از پس رقبایی برآید که در فرایند یادشده به تدریج تنومند و فرامرزی شده‌اند. غفلت در ایجاد شراکت‌های هوشمندانه و مدیریت بدون کارشناسی رقابت‌ها خطری مهم است که رفع آن بدون توجه به نقش نهاد‌های دینی در جوامع اهل سنت میسر نخواهد بود. این توجه نیز باید بر روش‌های آکادمیک، استنادپذیر و میدانی مبتنی شود و نه صرفاً خاطره‌گویی و سفرنامه‌نویسی.^{۱۰} نوشته حاضر گامی است بسیار کوچک و ابتدایی در جهت رفع این دغدغه، و امید است مرضی حضرت حق و مقبول طبع صاحب‌نظران و نخبگان افتد.

برای تکمیل فایده ضروری است نکاتی چند در توضیح سبک و جهت‌گیری‌های اثر حاضر بیان

شود.

پیشینه مطالعات

در این مجال کم برای سخن، پیشینه‌گویی را محدود به حوزه شیعی فارس‌زبان می‌کنیم؛ وگرنه جا داشت طرح شود که حوزه شیعی عرب‌زبان از قرن سیزده قمری با متفکران خاندان کاشف‌الغطاء، صدر، حکیم، فضل‌الله، و چهره‌های دیگری همچون مغنیه، شرف‌الدین و آصفی آمیختگی تنگی با گستره فکر اسلامی داشته‌اند.

۹. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و فیروزه رادفر، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران*، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۱۰. برای مشاهده نمونه این نوع مطالب که تاثیر بالایی نیز بر افکار عموم و نخبگان دارد، ر.ک:

مجتبی امانی، «خاطرات و خطرات»، خبرگزاری فارس؛

مصاحبه فرهنگ نیوز با محمدحسن شجاعی فرد، <http://www.farhangnews.ir/content/48319>.

آغازین حرکت‌ها در درون ایران برای تفهم و تفاهم با انقلابیون جهان اسلام یکی دو دهه پس از شروع موج اول اسلام‌گرایی در دهه سی شروع شد. در میان چهره‌های این گذشته دور از نام سیدغلام‌رضا سعیدی و قلم پرکار او در ترجمه آثار اقبال و سیدجمال و کواکبی و مودودی و قطب و خورشید احمد و همچنین تألیفاتش درباره جنبش الجزایر و فلسطین و پاکستان نمی‌توان بی‌اعتنا گذشت. این موج در تلاقی با نهضت امام از دهه چهل هیجانی مضاعف یافت، و تا اوایل پیروزی انقلاب آثار بسیاری از این دوره شکوفایی به یادگار مانده است. در میان آثار این موج، خامه آیت‌الله خامنه‌ای جزو السابقون الاولون است. او در اواخر دهه سی با کتاب *مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان* به معرفی حرکت‌های اسلامی شبه‌قاره و خصوصا اقبال پرداخت و بعدها با ترجمه آئینه در *قلمرو اسلام و فی ظلال القرآن* از سید قطب همین خط را پی گرفت. پس از او باید از سیدهادی خسروشاهی به‌عنوان چهره درخشان این نسل یاد کرد که از دهه پنجاه تاکنون با ترجمه آثار قطب و کلیم صدیقی و تألیفات بسیار، انقلابیون ایران را با ادبیات اسلام‌گرایان در جهان آشنا کرد. امتیاز او بر دو چهره دیگر پیش‌کسوت یعنی آیت‌الله تسخیری و مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده دوسویه بودن فعالیت‌هایش بود؛ چراکه این دو بیشتر بر معرفی اندیشه‌های تشیع انقلابی و وحدتی در جهان اهل سنت متمرکز بوده‌اند. از مساهمت علی رفیعی با ترجمه کتاب *سیاستی اسلام مودودی* در مقطع انقلاب و دیگر تألیفاتش نیز باید یاد کرد.

از ویژگی‌های این دوره، زبان عمومی و رویکرد جریان‌ساز آثار بود. بنابراین طیف وسیعی، از متفکرین طراز اول تا دانشجویان و فعالان انقلابی، مخاطب آن قرار می‌گرفتند و علاوه بر مشارکت در جریان‌های مطرح فکری زمانه، به حرکت درآوردن توده‌ها نیز مطمح نظر بود. نکته دیگر صبغه حوزوی صاحبان تمام آثار فوق و غالب آثار مشابه بود که آشکارا محوریت حوزه را در این جریان نشان می‌دهد. همین امر نیز موجب حساسیت ویژه این نسل به طیف اسلامی و علما و بحث‌های دینی در حرکت‌های اسلامی جهانی می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که محققان و مؤلفان این جریان بخشی حاشیه‌ای از حوزه محسوب می‌شدند و حوزه - بما هو حوزه - هیچ‌گاه مجدانه وارد این عرصه نشده است. این در شرایطی است که از بدو انقلاب تاکنون بخش مهمی از ارتباطات نظام اسلامی با جهان سنی از طریق فعالیت‌های علمی حوزه در موضوعاتی چون کلام و فقه مقارن و تاریخ اسلام بوده است. حوزه در روزآمد کردن برنامه‌های علمی و تبلیغی و آموزشی خود نسبت به جهان سنی بالدوام کوتاهی نموده است. در حوزه‌های علمیه هنوز بسیاری به‌تبع محاط شدن در متون کلاسیک

نمی‌دانند منازعه اشعری و معتزلی پایان یافته است. با خواندن کتاب درسی کلامی سطح عالی «المحاضرات فی الالهیات» شما از وجود ماتریدیه به‌عنوان عقیده کلامی متبوع اکثریت مسلمانان اطلاع نخواهید یافت، فضلاً از اینکه از ماهیتش اطلاعی کسب کنید؛ از این جهت این کتاب تألیف قرن پانزده تفاوتی با «باب حادی عشر» تألیف قرن هشتم ندارد! در مباحثات بین‌الفریقین همواره مشاهده می‌شود که روایات اهل سنت به‌صرف ورود در صحاح یا تصحیح حاکم، بی‌چون و چرا فرض شده و مورد استناد قرار می‌گیرد.^{۱۱} از سوی دیگر عدم توجه به تألیفات جدید اهل سنت در علوم اسلامی، ضعف همیشگی حوزه در بحث‌های تطبیقی و مقارن را بیشتر، و فاصله ادبیات طرفین را بعیدتر می‌کند. این انقطاع به‌قدری است که در مباحثی چون اقتصاد اسلامی یا علوم تربیتی نیز که سابقه و دامنه فعالیت‌های اهل سنت جلوتر از ماست، نگاهی گذرا به منابع کتب وطنی نشان از نقصان التفات به نویسندگان سنی‌مذهب دارد.^{۱۲}

به‌ترتیب پس از گذار از دهه اول انقلاب و افول تدریجی ادب انقلابی و اسلام‌خواهی، این حوزه مطالعاتی مدتی سوت‌و‌کور بود تا اینکه این‌بار از میان مجامع دانشگاهی سر برآورد. مرحله دوم، ادبیات مطالعات را فنی‌تر، و پژوهش‌ها را روشمندتر کرد؛ اما نشاط و عمق اثرگذاری آن به مرحله پیشین نرسید. کلونی‌های تحقیقاتی با موضوع مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای به‌سرعت تشکیل شدند و محصولات خود را در قالب ژورنال‌های علمی، کتاب، همایش و گزارش‌های راهبردی روانه بازار مصرف کردند. فرم‌زدگی افراطی در شرایطی که زیرساخت‌های محتوایی آن ایجاد نشده بود این رشته علمی را نیز مانند بسیاری رشته‌های وارداتی دیگر قدری گرفتار کرده

۱۱. در اینجا گران است اشاره نکنیم، آیت‌الله سیدکمال حیدری از جمله قلیل چهره‌هایی است که به این اشکال توجه داده، و بر اصلاح این روش در نقد مباحث اهل سنت تأکید می‌کند.

۱۲. برای نمونه ر.ک: سیدحسین میرمعزی، *نظام اقتصادی اسلام*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰؛ محمد مهدی کرمی و محمد پورمند، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ۱۳۸۰؛ سیدعباس موسویان، *ابزارهای مالی اسلامی*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

توجه داریم که در موضوعی همچون اقتصاد اسلامی منابع فقهی فریقین مشترکات بسیاری دارد و در چنین فضایی عجیب است که در منابع نامی از چهره‌هایی چون قره‌داغی، محمدتقی عثمانی، عبدالهادی النجار، عیسی عبده، احمد بزیع الیاسین، نجات‌الله صدیقی، محمد عمر شابر، فواد عبدالله العمر، رفیق یونس و خیل کثیری دیگر به‌چشم نمی‌خورد؛ حال آنکه حتی در غرب نیز اقتصاد اسلامی را با این نام‌ها می‌شناسند. برای مثال John Foster در مقاله‌ای محمدتقی عثمانی را آدام اسمیت مالیه اسلامی نام می‌نهد. (<http://muslimmatters.org/>)
 ۲۰۱۰/۰۷/۱۵/the_failure_of_islamic_finance). باین‌حال به‌نظر می‌رسد او نیز همچون خورشید احمد و محمد ابوزهره چند دهه بعد از دوره طلایی‌اش در جامعه علمی ایران شناخته شود.

است، و آثار احیاناً مفید بین تولیدات تکراری و کم‌ارزش گم‌اند. تولید محتوا در حجم بالا و کیفیت پایین وضعیتی نابسامان ایجاد کرده، و یارانه‌های دولتی و سیستم غیرهوشمند علم‌سنجی بر اساس معیارهای ناکارآمد تعداد مقاله و ضریب تأثیر، آن را پایدار و تحول‌ناپذیر ساخته است. از دیگر مشکلات این دوره، نظری شدن و بی‌میلی آن برای ورود در جنبه‌های عینی و داده‌های پوزیتیو بوده است. از همین رو در این متون بیشتر با مفاهیم تجریدشده و درجه دوم مواجه می‌شویم تا شخصیت‌ها و تخصص‌های عینی. توجه به حجم و مستقیم بودن داده‌ها و انجام پژوهش دست اول بسیار کمتر از قرار گرفتن در چهارچوب‌های نظری و مفهومی مسلط در زیرشاخه‌های علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.^{۱۳}

در سال نود از میان حدود پانزده مجله علمی منتشرشده در رابطه با جهان اسلام تنها یک فصلنامه از دانشگاه تهران در موضوع اوراسیا ضریب تأثیر ۰/۱۸۹ به‌دست آورد، و باقی نشریات ضریبی در حد صفر داشتند، و یا اساساً نمایه نمی‌شوند.^{۱۴} این یعنی از صدها مقاله نوشته‌شده در اینها، درصد بسیار ناچیزی کارکرد علمی داشته است و در چنین وضعیتی تکلیف کاربرد عملی مشخص است. گذشته از این عدم وجود مکانیسم‌های جدی و کارآمد برای کشف سرفتهای علمی و سنجش نوآوری در مطالب تولیدشده امری پوشیده نیست.^{۱۵} بخش کتاب نیز وضعیت چندان بهتری ندارد. نگاهی به آثاری تألیفی چون *نگاه اعراب به ایران؛ گفتمان‌ها و رویکردها، اسلام‌گرایی در مصر، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*^{۱۶} و شمار کثیری دیگر نشان از حجم محتوای تکراری در کتب این حوزه است. البته برای مخاطب مبتدی این موارد

۱۳. در تایید همین مدعا، ر.ک:

محمد عابدی اردکانی، "بررسی موانع پژوهش سیاسی کاربردی و مؤثر در نظام جمهوری اسلامی ایران"، در: *چشم‌انداز دانش سیاسی در ایران*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۲۷۰-۲۷۱.

۱۴. جعفر مهرداد و دیگران، *کتاب علم ایران در ISC*، ۱۳۹۳، ص ۱۸۹.

۱۵. نسرين مصفا، *سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸.

البته بحران انتحال ویژه حوزه علوم سیاسی نیست و در همین ابعاد دیگر رشته‌های انسانی نیز از آن زخم خورده‌اند. رجوع به مواردی چون *خانمی گیت!!* و مقاله «فره‌بی یا آماس» از سیدحسن اردکانی عبرت‌آور است.

۱۶. از باب مشت نمونه خروار، مخاطب محقق می‌تواند مقایسه‌ای میان بخش دوم این کتاب و مقاله «آینده جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه» - که به وضعیت خودش در سطور آتی نقبی زده شده - انجام دهد و نسبت به میزان رونوشت بودن آن قضاوت نماید. باقی این کتاب نیز وضعیت بهتری ندارد و از عرضه مطلبی جدید عاجز است.

دریچه‌ای مفید برای ورود خواهد بود؛ اما گزینش‌های متفاوت از تحلیل‌های استاندارد و داده‌های ثیب، و بازنشر آن موجب اتلاف توان پژوهشی و سرگردان شدن مشتریان حرف بکر خواهد شد. مسئله غلبه مفرط جنبه نظری بر تحقیقات، چنان‌که اشاره شد، در حوزه کتب نیز مشهود است. بخش بزرگی از آثار مجموعه‌های پیشرو علمی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و جریان‌های اسلامی به شدت محبوس در زبان تخصصی فلسفه سیاسی شده، و کشف داده‌های مجهول و ارائه تحلیل‌های نو را قربانی قالب‌بندی معلومات در دیسیپلین‌های آکادمیک رایج کرده‌اند.^{۱۷} آثاری همچون *خاورمیانه پژوهی، بنیادگرایی و سلفیه* و غالب دیگر آثار دانشگاه امام صادق علیه السلام و همچنین *رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام* از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، کم‌وبیش از این دسته محسوب می‌شوند. از آثار این نسل که فاقد نقیصه مذکورند می‌توان *مسائل توسعه جهان اسلام* از دانشگاه امام صادق علیه السلام را نام برد که توانسته است توازنی معقول در نسبت گرفتن با پارادایم علمی و گردآوری داده‌های نو ایجاد کرده، اثری درخور توجه سیاست‌گذاران و محققان گرد آورد. از همین

۱۷. اگر مؤلف این نوع مطالب نخواهد در نام‌گذاری ذوق به خرج بدهد آن را با عناوینی معیار همچون «بررسی موضوع زيد بر اساس مدل عمرو» خواهید یافت! عجیب آنکه وقتی آثار غول‌های اسلام‌شناسی و خاورشناسی همچون اسپوزیتو (John Sposito)، وول (John Voll)، لاکروا (Stephane Lacroix)، ون برونسن (Martin van Bruinessen)، رابرت هفنر (Robert Hefner)، محمد قاسم زمان و یا حتی محققان خبره جریان‌های اسلامی همچون ابورمان و ترکی الدخیل، فهمی جدعان، حسام تمام و مضای الرشید را بررسی کنیم متوجه خواهیم شد سبک یادشده در فضای بین‌المللی به این اندازه مورد اشتیاق نبوده است.

بدون شک الگومند کردن در مطالعات اجتماعی بسیار مفید است. بدان شرط که از یاد نبریم ما با پدیده‌هایی پیچیده مواجهیم که بدون انبوهی داده، هرگونه فرمول‌بندی از پدیدارها تقلیل‌گرایانه از آب در خواهد آمد. حال آنکه گاه محقق به قدری نسبت به موضوعی که می‌خواهد با نظریات علوم اجتماعی فرموله کند، بیگانه است که گزاره‌هایی آشکارا غلط را مفروض می‌گیرد؛ همچون مقاله «آینده جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه» از مؤلفی با بیش از صد عنوان مقاله علمی که عبدالسلام فرج را جزو قاتلان به ولایت فقیه شمرده است (فصلنامه *مطالعات خاورمیانه*، ش ۱۴-۱۵، ص ۷۲). همین مؤلف ادعایی عجیب مبنی بر کنار زده شدن جناح افراطی اسلام‌گرایان به نفع جناح مسالمت‌جو از اواسط دهه هشتاد را مطرح می‌کند (همان، ص ۷۳). ادعایی که او از دکمچیان به عاریه گرفته، تکرار می‌کند؛ بدون توجه به اینکه دکمچیان، این مطلب را در فضای سال ۱۹۸۵ (زمان تالیف) مطرح کرده است و از پس آن اسلام‌گرایان تندرو با قدرت به صحنه بازگشته‌اند.

نمونه بهت‌آورتر، تنها مقاله ایست که در مورد سعید حوی در فضای آکادمیک فارسی خواهید یافت؛ با نام «از بنیادگرایی تا اصلاح‌گری». نگارنده محور نگاشته خود را تفکیک دوقطبی حوی -عقرب قرار داده و حوی را نماد بازگشت از بنیادگرایی در اخوان تصویر نموده است. وقتی در چنین پژوهشی به مراجع صرفاً نظری اکتفا شد، چه عجب که قضاوت درست عکس واقع شود (در مورد حوی ن.ک: همین کتاب، مقاله «صفت حجازی»).

ناشر، کتاب *بنیادهای فکری القاعده* نیز در این دسته قرار می‌گیرد که البته به عقیده نگارنده، افراط در تقدیم فرضیه‌های پیشینی بر مدلول قرائن، سمت‌وسوی تحلیل آن را جملگی به بیراهه کشانده است. تأثیر *انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی* نیز تألیف دیگری است که برای کسانی که به دنبال اطلاعات کمیاب و میدانی از موضوع اثر هستند قابل چشم‌پوشی نخواهد بود. کتاب عباس خامه‌یار با عنوان *ایران و الاخوان المسلمین؛ عوامل الالتقاء والافتراق*، چاپ ۲۰۰۱ را از جمله آثار مفید و مقدم در نسل دوم می‌توان دانست. برخی آثار موسوعه‌ای همچون *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان و دایرة المعارف جنبش‌های اسلامی* نیز توانسته‌اند جای خالی کتاب‌هایی مرجع را که در آن اطلاعات استاندارد شده‌گرد آمده باشد تا حدودی پر کنند. *دانشنامه نخبگان خاورمیانه* نیز اثری در همین دسته است که مداخل ناقص و اطلاعات محدود، آن را از انتفاع ساقط کرده است. به‌طور کلی این باور عمومی وجود دارد که رشته و تولیدات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نقشی دکوری در نظام تصمیمات کشور بازی می‌کنند.^{۱۸} ممکن است بخشی از این مشکل به متولیان امر نسبت داده شود، اما بدون شک کیفیت کالاهای علمی تولیدشده نقشی مهم‌تر در افت تقاضا در این حوزه دارد.

زیرمجموعه‌ای از آثار این حوزه، منابعی هستند که به شکلی جدی بر مبنای مطالعات کاربردی و عرضه محتوای راهبردی تألیف شده‌اند. اغلب آثار مؤسسه ابرار معاصر از این دسته‌اند، و برخی کتب مجموعه مقاله‌ای آن، محتوای قابل توجهی عرضه می‌کنند. در لیست بلند تولیدات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک و همچنین مؤسسه اندیشه‌سازان نور نیز آثاری درخور پیدا خواهد شد؛ به‌ویژه برای کسانی که نخواهند سراغ منابع انگلیسی و عربی بروند. به درجاتی پایین‌تر پژوهشگران می‌توانند از کتب دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه نیز بهره ببرند.

دسته دیگر آثار این حوزه منابعی هستند که تمرکز بیشتری به نقش مؤلفه‌های مذهبی و فرهنگی در مطالعات جهان اسلام داشته‌اند. مطابق انتظارمان مؤسسات حوزوی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اصلی‌ترین پیمان‌کاران این بخش هستند؛ با این حال چنان‌که اشاره شد اوضاع این طیف از مطالعات مساعد نیست. دانشگاه ادیان از جمله نهادهایی است که در این رشته فعالیت‌هایی انجام می‌دهد؛ گرچه تولیدات آن جنبه کلامی یا تاریخی داشته و به‌ندرت حاوی برآوردهای راهبردی و گزاره‌های کاربردی است. در این عرصه، مهدی فرمانیان موردی کم‌نظیر است که توانسته با نوشته‌هایش در *درآمدی بر پراکندگی سلفی‌گری و وهابیت در جهان اسلام* و *فرق‌تسنن*

۱۸. نسرین مصفا، سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ص ۲۲۶.

و دیگر آثار خردش گام‌هایی مهم در جبران این نقیصه بردارد. عبدالوهاب فراتی از دیگر حوزویانی است که تا حدودی در این حیطه وارد شده، اما از اثرش با عنوان *رهیافتی به علم سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر* انتظاری بیش از هدف اعلام‌شده، یعنی تولید کتاب درسی، نمی‌توان داشت. دانشگاه باقرالعلوم (ع) نیز چند سالی است با دو اثر *جنبش‌های اسلامی معاصر شمال آفریقا* و *جنبش‌های اسلامی در آندونزی*، شامل اطلاعاتی کلی برای مخاطبانی که به منابع غیرفارسی دسترسی ندارند، وارد این عرصه شده است.

حجم تمام آنچه ذکر شد مناسبتی با اهمیت موضوع - چنان‌که ذکر آن رفت - ندارد. به‌ویژه اینکه محوریت نهاد دین در هدایت اجتماعی، برند اختصاصی ما بوده و تئوری سیاسی جمهوری اسلامی را با آن می‌شناسند. موجب تعجب است که مقایسه تولیدات غربی و عربی با تولیدات ایرانی در همین موضوع، توجه به مراتب کمتر مجموعه‌های پژوهشی وطنی به نقش نهادهای دینی در تحولات جهان اسلام را نشان می‌دهد. بخشی از آثار غیرفارسی مذکور را در کتابنامه این اثر می‌توان جست‌وجو کرد. از نمونه‌های شاخص دیگر باید *Speaking For Islam* را یاد کرد؛ اثر مؤلفی که نام او اخیراً در ایران بیشتر شنیده می‌شود؛ یعنی Sabine Schmidtke. نوشته‌های Malika Zeghal در مورد نهادهای دینی مصر نیز مهم‌اند. *The Madrasa in Asia: Political Activism and Transnational Linkages* و درواقع اکثر آثار Martin van Bruinessen در این مورد غیرقابل صرف نظراند. عناوینی مطرح چون:

Islamic Narrative and Authority in Southeast Asia

Guardians of Faith in Modern Times

'Ulama' In the Middle East

The Ulama in Contemporary Islam

نیز در این ردیف باید ذکر شوند. در میان اعراب نیز آثار مرکز مسبار در نوع خود بی‌نظیرند. بین تولیدات مرکز الجزيرة للدراسات هم آثار بسیاری متناسب با موضوع یافت می‌شود.

یکی از علل اصلی رکود تولیدات ایرانی در این موضوع فقدان اسناد و مواد خام و منابع دست‌اول برای خروج از وابستگی به منابع غربی و عربی است. پیگیری‌های ما نشان می‌دهد دست‌نهادهایی چون جامعه المصطفی و سازمان حج و زیارت و نهادهای امنیتی کم‌وبیش از گزارش و سند در موضوع یاد شده خالی نیست؛ لکن نه‌تنها عموم محققان، بلکه سازمان‌های حاکمیتی دیگر نیز از

دسترسی به این منابع مایوس‌اند! حتی چنین برمی‌آید که گاه نهادهای یادشده این اسناد را در جاه و یل آرشیوهای تدوین‌نشده رها می‌کنند.

به نظر می‌رسد نگاه امنیتی صرف و این گمان استیلا یافته که حاکمیت، بازیگر نقش اول تعاملات بین‌الملل اسلامی است، منجر به عدم علاقه به سهیم کردن نخبگان در فرایند پژوهش و تصمیم‌سازی شده است؛ حال آنکه نقش دیپلماسی عمومی و نخبگانی در تحولات جهان اسلام به‌هیچ‌روی از نقش دول پایین‌تر نیست؛ به‌ویژه آنکه بعد از بیداری اسلامی توانمندی و خودباوری نهادهای مدنی و توده‌ها در جهان عرب به‌مراتب فزونی گرفته است. در چنین شرایطی نباید کم کاری به قواره‌ای می‌رسید که صرفاً افسوس بخوریم چرا بسیاری از اهل سنت هنوز معتقدند شیعه معتقد به تحریف قرآن است، و تعجب کنیم که شایعۀ ناصبی بودن فلسطینیان چه آسان همه‌گیر می‌شود.

رویکردهای مایز این اثر

گذشته از لزوم مناقشه و تدقیق در محتوا، نتیجه‌گیری‌ها و جزئیات آثار یادشده، عمده ضرورت و انگیزه تألیف اثر پیش رو، و در واقع تمایزاتش از آثار پیش گفته، در نکاتی چند است:

۱. جامعیت: ضرورت نگاهی کل‌نگرانه، چه به‌لحاظ نسبت بین طیف‌های مختلف اسلامی و چه به‌لحاظ تفاعلات اندیشه و عمل، برای رسیدن به دیدی قابل اتکا از وضعیت جهان اسلام انکارناپذیر است. امروز با سیستمی به‌شدت پیچیده و آشوبناک و مترابط مواجیم که بدون داشتن نقشه‌ای هوایی نمی‌توان رفتار اجزای آن را درست درک کرد. صرف توجه به فضای اندیشه‌ای یا تمحض در بررسی راهبردی جریان‌ات ضدشیعی - چنانکه تاکنون معمول بوده - نمی‌تواند فهم موجهی را برای موضع‌گیری در قبال عالم اسلامی ایجاد کند. از این‌رو برآنیم که در این نوشته طیف‌های مختلف از طرفی، و اندیشه و تعینات از طرفی دیگر، هم‌زمان و ناظر بر یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد تا بتواند گامی ابتدایی در جهت ارتقای بینش عمومی و تصمیم‌سازی‌ها درباره جهان اسلام باشد. برای حفظ یکپارچگی معرفتی این پژوهش، به بررسی چهره‌های مختلف توسط نگارندگان مقاله‌ها اکتفا نشده و تبعاً چهارچوب کلی تحلیلی و حجم وسیعی از گردآوری داده برای تولید مقالات اثر حاضر، باید حاصل کار جمعی گروه تحقیق تلقی شود.

۲. نگاه راهبردی: گفته شد آثاری که با رویکرد راهبردی، مؤلفه‌های دینی مؤثر بر رفتار گروه‌های اسلامی را بررسی کرده باشند وجود دارند؛ هرچند به تعدادی انگشت‌شمار. با این حال اثری که بتواند تصویری شفاف از شبکه‌های انسانی زنده و مقیاس‌های عینی از اندازه این گروه‌ها

ارائه دهد به عرضه عمومی در نیامده است. در مورد بسیاری از جریان‌ها گاهی حتی یک چهره زنده مؤثر، شناخته شده نیست. بر همین اساس اثر حاضر برای عینی‌تر شدن و به‌روز بودن مطالب، دست بر روی چهره‌های واقعی و زنده گذاشته است و نه نام‌های اعتباری. بررسی گروه‌ها و گرایش‌های فکری آنها نیز با محوریت همان چهره شاخص و دیگر افراد و سازمان‌های مؤثر در آن انجام شده است.

۳. مخاطب عمومی: نوع تألیفات سابق الذکر از فضایی آکادمیک برآمده و حاوی ادبیاتی تخصصی و خشک‌زبانی‌های مرسوم آن است، و اساساً انگیزه‌ای در آن، برای عرضه کالای فکری به محیط بیرونی وجود ندارد. چنان‌که گفته شد باور داریم تنها حاشیه‌ای باریک از پروژه ارتباطات فراشیعی انقلاب اسلامی متأثر از متخصصان علوم سیاسی یا عالمان کلام مقارن است. لذا اثر باید حتی‌المقدور حصارهای زبانی را برداشته و از ابزارهای ژورنالیستی برای انتقال پیام بهره کافی ببرد.

ساختار کتاب

کتاب حاضر بر اساس سه مؤلفه اصلی (بنیادگرایی - سلفیت - معنویت‌گرایی) مبادرت به تفکیک جریان‌های اسلامی کرده است. بنیادگرایی در مقابل مصلحت‌گرایی نشان‌دهنده میزان گرایش تبعدی جریان‌هاست. سلفیت مناقشه‌ای تاریخی است در مورد مراجع تشریح و فکر اسلامی. گروه‌های سلفی این مرجعیت را منحصر در سه نسل نخستین اسلامی می‌دانند و در مقابل گروه‌های سنتی آن را ممکن است تا پیش از دوره مدرن امتداد دهند. معنویت‌گرایی عنصر سوم است که در دوگانه شریعت - طریقت یا مناسک ظاهری و اعمال قلبی معنا می‌یابد و میزان تأکید یک گروه بر هر یک از جهات، گرایش گفتمانی آن را مشخص می‌کند. در مورد مؤلفه اخیر لزوماً در حوزه نظر اختلافی میان یک صوفی و سنتی وجود ندارد اما در عمل، میزان تمایل، عامل تعیین کننده در ورود یک فرد به سلک صوفیان و مرشدان یا اشتغالش به علوم ظاهری همچون فقه و حدیث می‌شود. این سه‌گانه ماتریسی سه‌بعدی ایجاد می‌کند که تحققاً تمام خانه‌های آن پر نیست. تأثیر دوگانه بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی در گروه‌های سلفی تحقق یافته، و منجر به جدا شدن نوسلفی‌ها از سلفی‌های کلاسیک شده است. همین تمایز به میزانی کمتر در سنتی‌ها و صوفیه نیز وجود دارد؛ اما چنان آشکار نبوده که در این اطلس پرونده‌ای جدا برای آن باز شود. معنویت‌گرایی نیز تنها سنتی‌ها را دویاره کرده، و دوگانه صوفی - سنتی را باعث شده است، و طیف آن در میان سلفی‌ها به قدری باریک است که نمی‌توان دسته‌بندی جدیدی بر اساس آن ایجاد کرد. بر این اساس ما با چهار جریان عمده سنتی، سلفی، نوسلفی و صوفی مواجه خواهیم بود. علاوه بر

مؤلفه‌های اصلی، پنج مؤلفه فرعی دیگر، که در فهم رفتار جریان‌های اسلامی تأثیر جدی دارند، مورد بررسی قرار گرفته است که شامل موضع گروه‌ها در مورد مشارکت سیاسی، جهاد، تکفیر، شیعه و انقلاب و درنهایت غرب و اسرائیل است. در میان این پنج، جهادی‌گری به علت تبعات استراتژیک ویژه خود نمی‌توانست ذیل گروه‌های دیگر بررسی شود و همین واقعیت به شکل ایجاد گروه اصلی جهادی‌ها خود را نشان داده است.

تا این نقطه نگاه‌ها متوجه جنبه‌های اندیشه‌ای در تمایز میان گروه‌های اسلامی است. گام‌های بعدی در پی جهات عینی این گروه‌ها بوده تا بتواند تصویری راهبردی از این گروه‌ها برای ما ایجاد کند. بدین منظور در فصل دوم برشی استاتیک یا ایستار از ابعاد و وضعیت کنونی گروه مورد نظر بر اساس هفت مؤلفه ارائه می‌شود. از آنجاکه در عمل با حضور جریان قدرتمندی مواجه هستیم که به واسطه تفاوت در مؤلفه قدرت رسانه‌ای، ماهیت متفاوتی با دیگر گروه‌ها پیدا کرده‌اند؛ قهراً باید به گروه‌های اصلی‌مان نومبلغان را نیز اضافه می‌کردیم.

در فصل سوم، دینامیک و روند زمانی رسیدن وضعیت گروه به نقطه کنونی مورد بحث قرار می‌گیرد. به علاوه، تأثیرات مقابل فکر و عمل در طول زمان و همچنین استراتژی‌های اتخاذ شده توسط این گروه‌ها و نتیجه حاصل از آن مورد مذاقه واقع می‌شود. اثر این بررسی آن است که اولاً هویت و تجربیات تاریخی یک گروه به‌عنوان عاملی مؤثر در رفتارهای آتی آن مشخص می‌شود؛ ثانیاً آموزه‌های فراوان حاصل از تجربیات این گروه‌ها برای ما نیز دست‌یافتنی خواهد شد. گذشته‌ازاین، فهم دینامیک رفتار یک جریان، مفیدترین ابزار برای پیش‌بینی کنش‌ها و واکنش‌های آتی آن جریان است و زمینه را برای آینده‌پژوهی در این موارد فراهم می‌کند.

چنان‌که گفته شد گروه‌ها بر اساس چهره محوری یا رهبر مذهبی‌شان معرفی می‌شوند. گاه ساختار یک جامعه فکری به قدری تخت می‌شود که به‌دشواری می‌توان فردی را بر دیگران ترجیح، و محور بحث قرار داد. باین حال تلاش شده است انتخاب فرد با استناد به بررسی فروم‌ها و متون خود آن گروه یا معارضانش و استخراج میزان ارجاع و اشاره به وی انجام پذیرفته و یا متکی بر پژوهش‌های دست‌اول دیگران گردد. باین‌همه طی مطلب مشخص خواهد شد که جایگاه این چهره به چه میزان در گروه مربوط محوری است.

در پایان بخش مربوط به هر جریان، تعدادی از چهره‌های دیگری که در حال حاضر به درجاتی کمتر از چهره‌های اصلی، صاحب تأثیرند ذکر، و به‌اختصار در مورد آنها مطالبی عرضه می‌شود.

نکته دیگر آنکه ادعا نمی‌شود افراد ذکرشده ترازوی معادل با هم دارند، یا میان غیرمذکوران هیچ‌کس را نمی‌توان یافت که در ترازوی معادل با مذکوران باشد. معیار در ذکر یا عدم ذکر، تراز فرد در گروه مربوط به خود است و نه در کل جهان اهل سنت. باین‌حال تلاش بر این بوده که توازن‌های بین‌جریانی نیز تا حدودی رعایت شود، و همین امر باعث شده تا به ذکر یک چهره اصلی در صوفیه اکتفا شود و نام‌های مطرح دیگر را در قالب چهره‌های فرعی ذکر کنیم. بنابر این توضیح، اشکالاتی از این‌دست که «عریفی» مطرح شده در چهره‌های فرعی سلفیت، جایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به «کبانی» طرح شده به‌عنوان چهره اصلی دارد، مندفع است.

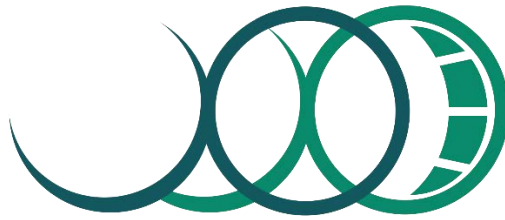
» جریان سننے

احمد الطیب

شیخ الازهر



شیخ الازهر در ساختار سیاسی مصر قانوناً مقامی معادل نخست‌وزیر دارد. با قانون اساسی جدید نیز، الازهر مرجع نهایی تفسیر شریعت معرفی شده است. آن قدر که طیب در این مدت نسبتاً کوتاه نشان داده، او بیش از اسلاف اخیرش توان استفاده از این جایگاه را دارد؛ جایگاهی که نه تنها در پرجمعیت‌ترین کشور عربی جهان، بلکه در کل جهان اسلام مورد اعتنا و احترام است. وی متولد ۱۹۴۸م. است و بنابر قاعده الازهر و سن نسبتاً جوان او، احتمالاً حدود دو دهه الازهر را با چهره او خواهیم شناخت. شخصیت او و وضعیت جهان اسلام نیز وعده چهره‌ای نه‌چندان تکراری را از وی می‌دهد.



انديشگده مرصاد

قم - بلوار جمهوری - میدان سپاه -
خیابان شهید محمود اخلاقی - پلاک ۱۲
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۴۴۷۱۷
رایانامه: mersadcass@chmail.ir

فهرست تفصیلی

۱.....	فهرست
۳.....	پیشگفتار
۶.....	دین سالاران سنی درآمدی بر یک حوزه پژوهشی نو
۱۰.....	پیشینه مطالعات
۱۷.....	رویکردهای مابین اثر
۱۸.....	ساختار کتاب
۲۱.....	« جریان سنی »
۲۲.....	احمد الطیب
۲۳.....	جریان فکری
۲۳.....	بنیادگرایی و مصلحت گرایی
۲۴.....	سلفیت
۲۵.....	معنویت گرایی
۲۶.....	مشارکت سیاسی
۲۷.....	تکفیر
۲۸.....	جهاد
۲۸.....	شیعه و انقلاب
۳۰.....	غرب و اسرائیل
۳۲.....	ارزیابی عوامل نفوذ
۳۲.....	بدنه جمعیتی متأثر
۳۲.....	گستره تشکیلاتی
۳۳.....	قدرت سیاسی
۳۳.....	قدرت رسانه‌ای
۳۴.....	قدرت مالی
۳۵.....	روند توسعه نفوذ
۴۰.....	منابع
۴۱.....	فتح‌الله گولن
۴۲.....	جریان فکری
۴۲.....	بنیادگرایی و مصلحت گرایی
۴۳.....	سلفیت
۴۴.....	معنویت گرایی
۴۶.....	مشارکت سیاسی
۴۷.....	تکفیر
۴۷.....	جهاد
۴۷.....	شیعه و انقلاب
۴۷.....	غرب و اسرائیل

۴۹	ارزیابی عوامل نفوذ
۴۹	بدنهٔ جمعیتی متأثر
۴۹	رشد بدنهٔ اجتماعی
۵۰	گسترهٔ تشکیلاتی
۵۰	قدرت سیاسی
۵۲	قدرت رسانه‌ای
۵۲	قدرت مالی
۵۴	روند توسعهٔ نفوذ
۵۸	منابع
۵۹	مصطفی پُرسری
۶۰	جریان فکری
۶۰	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی
۶۱	سلفیت
۶۲	معنویت‌گرایی
۶۲	مشارکت سیاسی
۶۳	تکفیر
۶۳	جهاد
۶۴	شیعه و انقلاب
۶۴	غرب و اسرائیل
۶۶	ارزیابی عوامل نفوذ
۶۶	بدنهٔ جمعیتی متأثر
۶۶	گسترهٔ تشکیلاتی
۶۸	قدرت سیاسی
۶۸	قدرت رسانه‌ای
۶۹	قدرت مالی
۷۰	روند توسعهٔ نفوذ
۷۴	منابع
۷۶	عبدالله بن یبه
۷۷	جریان فکری
۷۷	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی
۷۹	سلفیت
۷۹	معنویت‌گرایی
۸۰	مشارکت سیاسی
۸۱	تکفیر
۸۲	جهاد
۸۳	شیعه و انقلاب
۸۴	غرب و اسرائیل
۸۶	ارزیابی عوامل نفوذ

۸۶.....	بدنهٔ جمعیتی متأثر.....
۸۷.....	رشد بدنهٔ اجتماعی.....
۸۷.....	گسترهٔ تشکیلاتی.....
۸۸.....	قدرت سیاسی.....
۸۹.....	قدرت رسانه‌ای.....
۸۹.....	منابع مالی.....
۸۹.....	قدرت نظامی.....
۹۰.....	روند توسعهٔ نفوذ.....
۹۴.....	منابع.....
۹۸.....	طاهر القادری.....
۹۹.....	جریان فکری.....
۹۹.....	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۱۰۰.....	سلفیت.....
۱۰۱.....	معنویت‌گرایی.....
۱۰۱.....	مشارکت سیاسی.....
۱۰۲.....	تکفیر و جهاد.....
۱۰۲.....	شیعه و انقلاب.....
۱۰۳.....	غرب و اسرائیل.....
۱۰۴.....	ارزیابی عوامل نفوذ.....
۱۰۴.....	بدنهٔ جمعیتی موثر.....
۱۰۴.....	گسترهٔ تشکیلاتی.....
۱۰۵.....	قدرت سیاسی.....
۱۰۶.....	قدرت رسانه‌ای.....
۱۰۶.....	قدرت مالی.....
۱۰۶.....	قدرت نظامی.....
۱۰۷.....	روند توسعهٔ نفوذ.....
۱۰۷.....	تقابل بریلویان و دولت ضیاء.....
۱۰۸.....	کاهش رشد مدارس بریلویان.....
۱۰۸.....	تأسیس منه‌اج و دعوت اسلامی.....
۱۰۹.....	«تحریک سنی»، مدلی رادیکال از بریلویان میانه‌رو.....
۱۰۹.....	تقویت بریلویان بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱.....
۱۰۹.....	«شورای اتحاد سنی»، آغاز رویارویی با افراطی‌گری.....
۱۱۰.....	انتشار کتابی قطور در رد طالبان.....
۱۱۰.....	کشته شدن «مسلمان تأثیر» و تأثیر بر افکار جهانی.....
۱۱۱.....	تحصن طاهر القادری در سال ۲۰۱۴.....
۱۱۳.....	منابع.....
۱۱۵.....	چهره‌های فرعی.....
۱۱۵.....	علی جمعه.....
۱۱۵.....	حبیب علی الجفری.....

۱۱۶	حمزه یوسف هانسون.....
۱۱۶	ابراهیم صالح الحسینی.....
۱۱۷	« جریبان نوساف ».....
۱۱۸	یوسف القرضاوی.....
۱۱۹	جریان فکری.....
۱۱۹	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۱۲۰	سلفیت.....
۱۲۱	معنویت‌گرایی.....
۱۲۲	مشارکت سیاسی.....
۱۲۳	تکفیر.....
۱۲۳	جهاد.....
۱۲۴	شیعه و انقلاب.....
۱۲۵	غرب و اسرائیل.....
۱۲۶	ارزیابی عوامل نفوذ.....
۱۲۶	بدنهٔ جمعیتی متأثر.....
۱۲۶	رشد بدنه اجتماعی.....
۱۲۶	گستره تشکیلاتی.....
۱۲۸	قدرت سیاسی.....
۱۳۰	قدرت مالی.....
۱۳۰	قدرت نظامی.....
۱۳۰	قدرت رسانه‌ای.....
۱۳۲	روند توسعه نفوذ.....
۱۳۳	دورهٔ سعودی.....
۱۳۶	دورهٔ قطری.....
۱۴۰	منابع.....
۱۴۲	صفوت حجازی.....
۱۴۳	جریان فکری.....
۱۴۳	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۱۴۴	سلفیت.....
۱۴۵	مشارکت سیاسی.....
۱۴۵	تکفیر.....
۱۴۶	جهاد.....
۱۴۷	شیعه و انقلاب.....
۱۴۸	غرب و اسرائیل.....
۱۵۰	ارزیابی عوامل نفوذ.....
۱۵۰	بدنهٔ جمعیتی متأثر.....
۱۵۱	رشد بدنهٔ اجتماعی.....
۱۵۱	گسترهٔ تشکیلاتی.....

۱۵۳.....	قدرت سیاسی.....
۱۵۴.....	قدرت مالی.....
۱۵۵.....	قدرت نظامی.....
۱۵۶.....	قدرت رسانه‌ای.....
۱۵۷.....	روند توسعه نفوذ.....
۱۵۷.....	سالها قبل از قطب، سازمان سرّی اخوان: نخستین سازمان تروریستی!.....
۱۵۹.....	جهاد در فلسطین، افتخاری بزرگ یا تله‌های بزرگ؟!.....
۱۶۱.....	لیسوا اخواناً.. و لیسوا مسلمین!.....
۱۶۱.....	اخوان در برابر اخوان؛ تندروها در مقابل مرشد!.....
۱۶۴.....	اخوان در برابر اخوان: کندروها در مقابل مرشد!.....
۱۶۵.....	ستاره قطب در شب ظلمت.....
۱۶۷.....	همکاری اخوان با اخوان برای احیای جسم بیجان.....
۱۶۸.....	تسلف اخوان.....
۱۶۹.....	سادات و مذاکره با اسرائیل: نمایی دیگر از اختلافات فکری اخوان.....
۱۷۰.....	انقلاب اسلامی ایران و تقویت امید قطبیها.....
۱۷۱.....	اخراج از در، ورود از پنجره!.....
۱۷۳.....	جهاد یا سیاست، مسئله این است!.....
۱۷۵.....	گام به گام تا دولت اسلامی: جهتگیری تخصصی!.....
۱۷۶.....	سلسبیل، خلیج و ...: پایان روزهای خوب.....
۱۷۷.....	اخوان با دستهای بسته، سلفیت با دستهای باز: اتحاد اجتماعی.....
۱۷۸.....	بحران حزبالوسط.....
۱۸۰.....	پیروزی بزرگ: برای اخوان، به کام اصلاحیون.....
۱۸۱.....	تنش بین برادران.....
۱۸۴.....	بهار عربی، زمانه اخوانی، زمستان ایرانی.....
۱۸۸.....	زمستان ناپهنگام: هدیه‌های به داعش.....
۱۹۰.....	نقشه‌های امریکایی.....
۱۹۱.....	منابع.....
۱۹۶.....	عطاء ابوالرشته.....
۱۹۷.....	جریان فکری.....
۱۹۷.....	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۱۹۷.....	معنویت‌گرایی.....
۱۹۷.....	مشارکت سیاسی.....
۱۹۸.....	تکفیر.....
۱۹۸.....	جهاد.....
۱۹۹.....	شیعه و انقلاب.....
۲۰۰.....	غرب و اسرائیل.....
۲۰۲.....	ارزیابی عوامل نفوذ.....
۲۰۲.....	بدنه جمعیتی متأثر.....
۲۰۲.....	گستره تشکیلاتی.....

۲۰۳ قدرت رسانه‌ای
۲۰۳ قدرت مالی
۲۰۴ روند توسعه نفوذ
۲۰۸ منابع
۲۰۹ چهره‌های فرعی
۲۰۹ حسن الترابی
۲۰۹ سلمان العوده
۲۱۰ خورشید احمد
۲۱۰ راشد الغنوشی
۲۱۱ « جریار سلفه »
۲۱۲ صالح بن فوزان الفوزان
۲۱۳ جریان فکری
۲۱۳ بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی
۲۱۳ سلفیت
۲۱۴ معنویت‌گرایی
۲۱۴ مشارکت سیاسی
۲۱۶ تکفیر
۲۱۷ جهاد
۲۱۷ شیعه و انقلاب
۲۱۷ غرب و اسرائیل
۲۱۸ ارزیابی عوامل نفوذ
۲۱۸ بدنه جمعیتی متأثر
۲۱۸ رشد بدنه اجتماعی
۲۱۸ گستره تشکیلاتی
۲۲۰ قدرت سیاسی
۲۲۰ قدرت مالی
۲۲۱ قدرت نظامی
۲۲۱ قدرت رسانه‌ای
۲۲۲ روند توسعه نفوذ
۲۲۵ منابع
۲۲۶ ابواسحاق الحونینی
۲۲۷ جریان فکری
۲۲۷ بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی
۲۲۷ سلفیت
۲۲۷ معنویت‌گرایی
۲۲۸ مشارکت سیاسی
۲۲۹ تکفیر
۲۲۹ جهاد

۲۳۰.....	شیعه و انقلاب.....
۲۳۰.....	غرب و اسرائیل.....
۲۳۱.....	ارزیابی عوامل نفوذ.....
۲۳۱.....	بدنهٔ جمعیتی متأثر.....
۲۳۱.....	رشد بدنهٔ اجتماعی.....
۲۳۲.....	گسترهٔ تشکیلاتی.....
۲۳۲.....	قدرت سیاسی.....
۲۳۲.....	قدرت رسانه‌ای.....
۲۳۳.....	قدرت مالی.....
۲۳۴.....	روند توسعهٔ نفوذ.....
۲۳۸.....	منابع.....
۲۳۹.....	عبدالرحمن عبدالخالق.....
۲۴۰.....	جریان فکری.....
۲۴۰.....	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۲۴۲.....	سلفیت.....
۲۴۲.....	مشارکت سیاسی.....
۲۴۴.....	تکفیر.....
۲۴۴.....	جهاد.....
۲۴۶.....	شیعه و انقلاب.....
۲۴۷.....	غرب و اسرائیل.....
۲۴۸.....	ارزیابی عوامل نفوذ.....
۲۴۸.....	بدنهٔ جمعیتی متأثر.....
۲۴۹.....	گسترهٔ تشکیلاتی.....
۲۵۰.....	قدرت سیاسی.....
۲۵۱.....	قدرت رسانه‌ای.....
۲۵۱.....	قدرت مالی.....
۲۵۳.....	روند توسعهٔ نفوذ.....
۲۵۹.....	منابع.....
۲۶۱.....	محمدتقی عثمانی.....
۲۶۲.....	جریان فکری.....
۲۶۲.....	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۲۶۳.....	سلفیت.....
۲۶۵.....	معنویت‌گرایی.....
۲۶۷.....	مشارکت سیاسی.....
۲۶۷.....	تکفیر.....
۲۶۸.....	جهاد.....
۲۶۹.....	شیعه و انقلاب.....
۲۷۰.....	غرب و اسرائیل.....
۲۷۱.....	ارزیابی عوامل نفوذ.....

۲۷۱	بدنهٔ جمعیتی متأثر.....
۲۷۳	رشد بدنهٔ اجتماعی.....
۲۷۴	گسترهٔ تشکیلاتی.....
۲۷۵	قدرت سیاسی.....
۲۷۷	قدرت رسانه‌ای.....
۲۷۷	قدرت مالی.....
۲۷۸	قدرت نظامی.....
۲۸۰	روند توسعهٔ نفوذ.....
۲۸۰	تأسیس دارالعلوم دیوبند.....
۲۸۱	شیخ‌الهند و جنبش نامه‌های ابریشمین.....
۲۸۲	همراه با گاندی و تأسیس جمعیت علمای هند.....
۲۸۳	دیوبند در مقابل دیوبند، پاکستان در مقابل هند.....
۲۸۴	آغاز راه برای رسیدن به «جمهوری اسلامی».....
۲۸۵	پاکستان، سرزمین اسلامی بدون مدرسهٔ اسلامی.....
۲۸۵	دیوبند به کام پشتون‌ها.....
۲۸۶	نه جمهوری، نه اسلامی.....
۲۸۷	شکست در نخستین جدال؛ تراژدی بنگلادش.....
۲۸۸	از چاه چپ‌ها، به چالهٔ قوم‌گراها!.....
۲۹۰	ژنرال دیوبندی و رویای «نظام مصطفی».....
۲۹۳	قیام روح‌الله ﷺ و بیداری اسلامی.....
۲۹۳	مرده باد ارتش سرخ، زنده باد جهاد.....
۲۹۴	پناه‌جویان بی‌پناه افغان، مجاهدین دیوبندی آینده.....
۲۹۵	قصهٔ پرغصهٔ افغانستان و ظهور طالبان.....
۲۹۶	جمعیت علما در مقابل جمعیت علما، هر دو در کنار طالبان.....
۲۹۸	طالبان: حکومت با مبنای دیوبندی یا پشتون‌والی؟.....
۲۹۸	امریکا دشمن طالبان، دیوبند دشمن امریکا.....
۲۹۹	برای نخستین بار: اتحادی مذهبی و دولتی مذهبی.....
۳۰۲	مشکلات سال‌های مشرف.....
۳۰۳	سیل سرخ در مسجد سرخ.....
۳۰۵	پدر پرتلاش بانک‌داری اسلامی.....
۳۰۷	هندوستان، دیار دیوبند.....
۳۰۹	و مَکْرُوا.....
۳۱۰	منابع.....
۳۱۵	محمد عبدالوهاب صاحب.....
۳۱۶	جریان فکری.....
۳۱۶	بنیادگرایی و مصلحتگرایی.....
۳۱۷	سلفیت.....
۳۱۸	معنویت‌گرایی.....
۳۲۱	مشارکت سیاسی.....

۳۲۲.....	تکفیر.....
۳۲۲.....	جهاد.....
۳۲۲.....	شیعه و انقلاب.....
۳۲۳.....	غرب و اسرائیل.....
۳۲۵.....	ارزیابی عوامل نفوذ.....
۳۲۵.....	بدنهٔ جمعیتی متأثر.....
۳۳۱.....	رشد بدنهٔ اجتماعی.....
۳۳۲.....	گسترهٔ تشکیلاتی.....
۳۳۵.....	قدرت سیاسی.....
۳۳۶.....	قدرت رسانه‌ای.....
۳۳۶.....	قدرت مالی.....
۳۳۸.....	قدرت نظامی.....
۳۳۹.....	روند توسعهٔ نفوذ.....
۳۳۹.....	آغاز جریان تبلیغ.....
۳۴۱.....	جهانی سازی تبلیغ.....
۳۴۲.....	حرکت آرام جماعت.....
۳۴۵.....	خروج جوانان از جماعت.....
۳۴۶.....	بازگشت جهادی‌ها به جماعت.....
۳۴۸.....	آخرین کادر رهبری.....
۳۴۸.....	چون که از پرده برون افتد راز!.....
۳۵۲.....	نه بیدی که به این بادها بلرزد.....
۳۵۳.....	منابع.....
۳۵۶.....	چهره‌های فرعی.....
۳۵۶.....	عبدالعزیز آل شیخ.....
۳۵۶.....	محمد زین العابدین سرور.....
۳۵۷.....	یاسر البرهامی.....
۳۵۷.....	ربیع المدخلی.....
۳۵۸.....	محمد عبدالرحمن العریفی.....
۳۵۸.....	طارق جمیل.....
۳۵۹.....	« جریان جهاد ».....
۳۶۰.....	ابومحمد المقدسی.....
۳۶۱.....	جریان فکری.....
۳۶۱.....	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۳۶۱.....	سلفیت.....
۳۶۱.....	معنویت‌گرایی.....
۳۶۲.....	مشارکت سیاسی.....
۳۶۲.....	تکفیر.....
۳۶۳.....	جهاد.....
۳۶۴.....	شیعه و انقلاب.....

۳۶۴	غرب و اسرائیل
۳۶۵	ارزیابی عوامل نفوذ
۳۶۵	بدنهٔ جمعیتی متأثر
۳۶۵	رشد بدنهٔ اجتماعی
۳۶۶	گسترهٔ تشکیلاتی
۳۶۷	قدرت رسانه‌ای
۳۶۸	قدرت مالی
۳۶۹	روند توسعهٔ نفوذ
۳۶۹	ریشه‌های اخوانی جهاد
۳۷۰	از جهاد قطبی تا جهاد جهانی
۳۷۱	القاعده
۳۷۳	جهاد با «رأس الافعی»
۳۷۴	سه‌شنبهٔ مبارک!
۳۷۵	جهادی‌ها در ایران
۳۷۶	طلوع ستارهٔ مقدسی
۳۷۸	فتنهٔ شام
۳۸۰	منابع
۳۸۲	ابوبکر البغدادی
۳۸۳	جریان فکری
۳۸۳	تکفیر
۳۸۳	جهاد
۳۸۳	شیعه و انقلاب
۳۸۴	غرب و اسرائیل
۳۸۵	ارزیابی عوامل نفوذ
۳۸۵	بدنهٔ جمعیتی متأثر
۳۸۵	گسترهٔ تشکیلاتی
۳۸۶	قدرت رسانه‌ای
۳۸۶	قدرت مالی
۳۸۷	روند توسعهٔ نفوذ
۳۸۷	جنگ فرقه‌ای
۳۸۸	سال‌های پایانی
۳۹۰	فرزند خلف
۳۹۱	دسته‌گل‌های جدید متحدان
۳۹۲	خلیفه در سرزمین موعود
۳۹۴	منابع
۳۹۵	چهره‌های فرعی
۳۹۵	عبد العزیز عوده
۳۹۵	مسعود ازهر

۳۹۶.....	ملا اختر محمد منصور.....
۳۹۷.....	ترکی البنعلی.....
۳۹۹.....	« جریان صوفیه ».....
۴۰۰.....	هشام الکنانی.....
۴۰۱.....	جریان فکری.....
۴۰۱.....	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۴۰۱.....	سلفیت.....
۴۰۱.....	معنویت‌گرایی.....
۴۰۴.....	مشارکت سیاسی.....
۴۰۵.....	تکفیر.....
۴۰۵.....	جهادی‌گری.....
۴۰۶.....	شیعه و انقلاب.....
۴۰۷.....	غرب و اسرائیل.....
۴۰۸.....	ارزیابی عوامل نفوذ.....
۴۰۸.....	بدنهٔ جمعیتی متأثر.....
۴۰۸.....	رشد بدنهٔ اجتماعی.....
۴۰۹.....	گستره تشکیلاتی.....
۴۰۹.....	قدرت سیاسی.....
۴۱۰.....	قدرت رسانه‌ای.....
۴۱۱.....	قدرت مالی.....
۴۱۱.....	قدرت نظامی.....
۴۱۲.....	روند توسعهٔ نفوذ.....
۴۱۶.....	منابع.....
۴۱۸.....	چهره‌های فرعی.....
۴۱۸.....	حبیب لطفی بن یحیی.....
۴۱۸.....	احمد علی تیجانی سیسه.....
۴۱۹.....	محمد اشرف کیچهو چهوی.....
۴۱۹.....	محمد علاء‌الدین ابوالعزائم.....
۴۲۰.....	اختر رضاخان بریلوی.....
۴۲۰.....	محمد عثمان میرغنی.....
۴۲۱.....	« نومینفار ».....
۴۲۲.....	عمرو خالد.....
۴۲۳.....	جریان فکری.....
۴۲۳.....	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی.....
۴۲۴.....	سلفیت.....
۴۲۵.....	معنویت‌گرایی.....
۴۲۵.....	مشارکت سیاسی.....
۴۲۸.....	تکفیر.....

۴۲۸	جهاد
۴۲۹	شیعه و انقلاب
۴۲۹	غرب و اسرائیل
۴۳۲	ارزیابی عوامل نفوذ
۴۳۲	بدنهٔ جمعیتی متأثر
۴۳۳	گسترهٔ تشکیلاتی
۴۳۴	قدرت سیاسی
۴۳۵	قدرت رسانه‌ای
۴۳۶	قدرت مالی
۴۳۷	روند توسعهٔ نفوذ
۴۴۹	منابع
۴۵۲	ذاکر نایک
۴۵۳	جریان فکری
۴۵۳	بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی
۴۵۴	سلفیت
۴۵۶	مشارکت سیاسی
۴۵۶	تکفیر
۴۵۶	جهاد
۴۵۷	معنویت‌گرایی
۴۵۸	شیعه و انقلاب
۴۵۸	غرب و اسرائیل
۴۶۰	ارزیابی عوامل نفوذ
۴۶۰	بدنهٔ جمعیتی متأثر
۴۶۲	رشد بدنهٔ اجتماعی
۴۶۳	گسترهٔ تشکیلاتی
۴۶۳	قدرت رسانه‌ای
۴۶۳	قدرت مالی
۴۶۵	روند توسعهٔ نفوذ
۴۶۵	شیخ احمد دیدات
۴۶۶	تحول نایک، ارتقای روش دیدات
۴۶۹	۱۱ سپتامبر و تشدید اسلام هراسی
۴۷۰	فعالیت رسانه‌ای و ساخت شبکه‌ای از مبلغان
۴۷۲	پشتیبانی از مجموعه‌های اسلامی
۴۷۳	کنفرانس صلح و دیگر فعالیت‌ها
۴۷۴	حمایت کشورهای اسلامی و مخالفت غربیها
۴۷۶	نومبلغان و علما
۴۷۸	و باز هم سلفیت!
۴۷۹	منابع

۴۸۲	چهره‌های فرعی
۴۸۲	مصطفی حُسنی
۴۸۲	طارق سویدان
۴۸۳	وقایع نگار
۴۸۴	جهادی‌ها
۴۸۶	اخوان
۴۸۸	دیوبندی‌ها
۴۹۱	نمایه‌ها
۵۰۴	فهرست تفصیلی